

التحليل المقارن لآراء الفريقين في الفحشاء، تأكيداً على الآيتين ١٥ و١٦ من سورة النساء المباركة

أميرمهجر ميلاني^١

مريم محسن^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/١١/١٩؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٤/٠٢ هـ ش]

الملخص

تعدّ الآيتان الخامسة عشر والسادسة عشر من آيات الأحكام التي اختلف فيهما الفقهاء، وذلك للمباحث التي عرضت فيهما. يهدف هذا البحث إلى دراسة الفحشاء في الآيتين عند الفريقين، ومقارنة آراءهما، حتّى يتسنى عرض حلول عملية لعقوبة المرتكبين لهذه الجريمة عبر النتائج الحاصلة. والسؤال الرئيسي للبحث هو: ما المراد من الفحشاء عند الفريقين في الآيتين الخامسة عشر والسادسة عشر من سورة النساء؟ واتخذ هذا البحث للإجابة على السؤال، منهج تحليل المضمون الكيفي. وتوصل بعد دراسة الآراء إلى أنّ جلّ الفقهاء إقليلاً منهم، يفسّر الفحشاء في الآيتين بالزنا. وكثر عدد الفقهاء القائلين بأنّ المراد من الفحشاء في الآية الخامسة عشر المساحقة، والآية السادسة عشر اللواط، بين المعاصرين من فقهاء الشيعة. كما يتّضح بعد دراسة الآراء من منظور اجتماعي، أنّ الأحكام المطروحة في الآيتين تفسح المجال لتحديد عقوبات الشذوذ الجنسية كاللواط والمساحقة، وأنّ الالتفات إليها يسهم في توجيه الغريزة الجنسية نحو مسارها الطبيعي، وتعزيز كيان الأسرة. يرى الباحثان أنّ قد يكون المراد من «الفاحشة» في الآية الأولى السحق أو ما يعمّه والزنا، وفي الآية الثانية، اللواط أو ما يعمّه والزنا. يُظهر هذا تصوّر تناسبا بارزا بين الجريمة والعقوبة في التعامل مع مرتكبيها، ومراعاة الجنس، والظروف النفسية والاجتماعية.

الكلمات المفتاحية: الفحشاء، الزنا، اللواط، المساحقة، الفريقين، الحبس المنزلي، سورة النساء.

١. أستاذ مساعد، قسم الفقه والقانون، معهد المرأة والأسرة للبحوث، قم، إيران (الكاتب المسؤول) milani@wfric.ac.ir

٢. طالبة دكتوراه، اختصاص دراسات المرأة، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران m.mohseni@Urd.ac.ir

تحلیل تطبیقی دیدگاه فریقین درباره «فحشاء» با توجه به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه نساء

امیرمهاجر میلانی^۱

مریم محسنی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲]

چکیده

آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء از جمله آیات الاحکامی هستند که با توجه به موضوعات مطرح شده در آن‌ها، مورد مناقشه فقیهان قرار گرفته‌اند. نقطه کانونی و هدف پژوهش حاضر بررسی «فحشاء» در دو آیه مورد نظر از دیدگاه فریقین و مقایسه دیدگاه این دو گروه است تا بتوان بر اساس نتایج به دست آمده، راهکارهای عملی برای مجازات مرتکبین این نوع جرائم در نظر گرفت. سؤال اصلی مقاله عبارت است از اینکه مراد از «الفاحشه» از دیدگاه فریقین در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء چیست. برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. پس از بررسی دیدگاه فقها نتایج، حاکی از آن است که جز معدودی از فقیهان، بقیه ایشان مراد از فحشاء در آیات مورد بررسی را زنا در نظر گرفته‌اند. شمار فقهایی که مراد از فحشاء در آیه ۱۵ را مساحقه و مراد از آن را در آیه ۱۶ را لواط در نظر گرفته‌اند، در میان فقههای معاصر شیعه بیشتر از بقیه فقها است. همچنین پس از بررسی دیدگاه‌ها با رویکرد اجتماعی مشاهده می‌شود که احکام صادرشده در این آیات می‌تواند برای مجازات انحرافات جنسی نظیر لواط و سحاق راهگشا باشد و توجه به آن می‌تواند موجب قرارگرفتن غریزه جنسی در مسیر طبیعی و استحکام خانواده شود. نویسندگان بر این باورند که مراد از «الفاحشه» در آیه اول می‌تواند سحاق یا اعم از زنا و سحاق باشد و در آیه دوم، لواط یا اعم از زنا و لواط باشد. چنین تلقی‌ای نشان از تناسب بیشتر جرم و مجازات در نحوه برخورد با مرتکبین با توجه به جنسیت و شرایط روانی-اجتماعی مرتکبین است.

واژگان کلیدی: فحشاء، زنا، لواط، مساحقه، فریقین، حبس خانگی، سوره نساء

۱. استاد یار گروه فقه و حقوق، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران (نویسنده مسئول) milani@wfric.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (m.mohseni@Urd.ac.ir)

۱. مقدمه

از جمله آیاتی که به دلایل مختلف مورد توجه فقها قرار گرفته است، آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء است. آیه ۱۵ به آیه «امساک» و آیه ۱۶ به آیه ایذاء یا آیه اعراض معروف شده و خداوند در این آیات می فرماید: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاُسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا* وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُم فَأَذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید؛ پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد. و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می شوند، آزارشان دهید؛ پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف نظر کنید، زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است» (نساء: ۱۵-۱۶).

موضوعات مورد توجه فقها در این آیات شامل معنای «الفاحشه»، بحث زنا، شهادت، استشهاد، حد مرتکب فحشاء به صورت عام، حد زنا و لواط و سحق به صورت خاص، نسخ آیات، امساک در بیت، راه نجات، ایذاء، توبه و اعراض هستند که دیدگاه های مختلفی را به وجود آورده است. علی رغم اهمیت بررسی این آیات، تاکنون پژوهش مدوئی فارغ از آنچه فقها در کتب خود بدان اشاره کرده اند، صورت نگرفته است که مراد از «الفاحشه» را احصاء کرده باشند و تفاوت معنایی آن را با توجه به تفاوت در جنسیت مرتکبین و ضمایر موجود در آیات، ارزیابی کنند. همچنین تاکنون مقایسه ای بین دیدگاه فقهای فریقین در این خصوص صورت نگرفته است. تنها پژوهشی که به بررسی آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء پرداخته است، مقاله زرگوش نسب با عنوان «واکاوی تعارض ظاهری آیات مربوط به حکم زانیه» است که به بررسی نسخ این دو آیه پرداخته است. بقیه منابع، کتب فقهی هستند که فقها در کنار سایر موضوعات به موضوع فحشاء پرداخته اند که در این پژوهش مورد

بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که مراد از «الفاحشه» از دیدگاه فریقین در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء چیست. اگر مراد از «الفاحشه» زنای زنان ثیب و بکر است، چرا مجازات مردان مرتکب در این آیات مغفول مانده است؟ در عین حال اگر این آیات به مجازات زنان زناکار بکر و ثیب می‌پردازد، چرا حکم این زنان ناقص است و حتی با فرض نسخ دو آیه و جایگزینی آیه جلد، حکم مرتکبین به طور کامل پوشش داده نمی‌شود؟ از سوی دیگر اگر آیات مذکور مربوط به مجازات زنان است، چرا با آیه جلد که حکم زنان و مردان زانی را بیان می‌کند؛ نسخ شده است؟ همچنین اگر مراد از «الفاحشه» در آیه اول زنان شوهردار و در آیه دوم زنان مجرد است، چرا ضمائر و صیغه‌های به کار گرفته شده در آیات تا این حد تفاوت دارد که در آیه اول به صورت جمع و در آیه دوم مثنی آمده است؟

برای پاسخ به این سؤالات، پژوهشگران با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی و مقایسه کتب فقهی و برخی کتب تفسیری فریقین پرداخته‌اند و به محتوای منابع فقهایی که درباره آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء اظهار نظر کرده‌اند، مراجعه کرده‌اند و متون مرتبط را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌گاه به تحلیل و احصای مطالب مرتبط با موضوع و جمع‌آوری دیدگاه آنان پرداخته، نظرات را دسته‌بندی کرده و به بررسی مقایسه‌ای آنان پرداخته‌اند. سپس براساس نتایج به دست آمده به سؤالات پژوهش پاسخ داده‌اند.

۲. تعریف مفاهیم

از میان مفاهیمی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است، چند مفهوم قرآنی یعنی فاحشه و مصادیق آن نظیر زنا، لواط و سحاق، تعریف می‌شوند.

۱-۲. الفاحشة

از میان مفاهیم موجود در پژوهش حاضر، «الفاحشة» نسبت به مصادیق آن نظیر زنا، لواط و سحق نیاز به شرح بیشتر دارد. الفاحشه و جمع آن فواحش، به معنای هر عمل زشت است؛ ولی بیشتر در معنای زنا به کار گرفته می شود. فواحش نیز گناهایی که حد اعلای شناعة و زشتی دارند را در بر می گیرد؛ از جمله آیاتی که در آن ها از الفاحشه و مشتقات آن به کار رفته، ۲۲ آیه است که شامل آیه ۲۶۸ سوره بقره، آیه ۱۵ سوره نساء، آیه ۱۹ سوره نساء، آیه ۹۰ سوره نحل، آیه ۳۰ سوره احزاب، آیه ۱۹ سوره نور، آیه ۲۸ سوره اعراف، آیه ۳۳ سوره اعراف می شود. آیت الله خویی «فاحشه» را به هر عمل زشت و با قباحیت زیاد تعریف می کند که ممکن است میان دو زن (مساحقه)، میان دو مرد (لواط) و گاهی میان دو جنس مخالف (زنا) واقع شود (خوئی، ۱۳۸۷: ص ۳۹۶-۳۹۹). در مجملا و سوماقلا «الفاحشه» مؤنث «الفاحش» و به معنای عمل قبیح و ناپسند است؛ همچنین فعل زشتی را گویند که به آن تهمت می زنند یا هر فعل گناه و زشتی را در بر می گیرد. فحش نیز به معنای چیزی است که گفتن آن مذموم است (سرور، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۲۰۲؛ الغدیری، ۱۴۱۸ق: ص ۴۱۳).

۲-۲. زنا

کلمه زنا به معنای جماع بدون عقد یا بدون شبه عقد یا بدون خرید کنیز است یا به معنای آمیزش از راه نامشروع است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق: ص ۲۹۲). این واژه و مشتقات آن در آیاتی از قرآن با همین عنوان آمده است و در برخی مواقع نیز از مصادیق فحشاء شمرده شده است. در مفردات راغب «الزنا» به معنای مقاربت نامشروع و بدون عقد شرعی که لفظش با الف مقصوره است (زنی)، آمده و جمع آن «زناه» است (مفردات راغب،

۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۵۶). مروج زنا را چنین تعریف می‌کند: «مرد بالغ با علم به حرمت، به اندازه حشفه آلتش را در فرج زنی که به او حرام است، داخل کند» (مروج، ۱۳۷۹: ص ۲۵۸).

۲-۳. لواط

لواط یا لوطیه به آمیزش مقعدی میان مردان اشاره دارد و در اصطلاح، آمیزش جنسی دو مرد است که از گناهان کبیره شمرده می‌شود. همچنین وطی کردن نرینه‌ای با نرینه دیگر را گویند (مروج، ۱۳۷۹: ص ۴۲۷).

۲-۴. سحوق

این واژه در اصطلاح به معنای عمل جنسی که دوزن با یکدیگر انجام می‌دهند، به کار گرفته می‌شود. سحوق در فقه، همبستر شدن زنی با زن دیگر است (صاحب جواهر، ۱۴۱۷ق: ص ۳۱۰) یا عبارت اینکه زنی آلت زنانه خود را به آلت زنانه زن دیگر بمالد (مروج، ۱۳۷۹: ص ۲۷۱). مساحقه به زنی گفته می‌شود که عمل سحوق را انجام می‌دهد (مروج، ۱۳۷۹: ص ۴۸۴). پس از تعریف مفاهیم، در این بخش به بررسی دیدگاه فریقین در خصوص آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء پرداخته می‌شود. ابتدا مراد از «الفاحشه» در آیه ۱۵ سوره نساء و سپس مراد از «الذَّانِ» در آیه ۱۶ این سوره بررسی می‌شود و در هر بخش، دسته‌بندی نظرات نیز ارائه می‌شود.

۳. بررسی «الفاحشه» در آیه ۱۵ سوره نساء از دیدگاه فریقین

فقه‌ها در این بخش بر اساس واژه‌های «وَاللَّاتِي»، «الفاحشه» و «مِنْ نَسَائِكُمْ» به بررسی معنای «الفاحشه» پرداخته‌اند و هر یک دلایلی را اظهار داشته‌اند که چند دیدگاه به شرح ذیل به دست آمده است:

۳-۱. فحشاء به معنای زنا

دیدگاه فقهای اهل تشیع در این باره بدین شرح است: شیخ طوسی، آیت الله مازندرانی و طیب، «الفاحشه» را به معنای زنا آورده اند (طوسی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۸۶؛ مازندرانی، ۱۳۴۲: ص ۹۵). ثقفی تهرانی فحشاء را کار بد و در این آیه ظهور در زنا می داند (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۳ق: ص ۳۰). ایروانی نیز زنا را از مصادیق «الفاحشه» ذکر کرده است (ایروانی، ۱۳۸۶: ص ۵۷۰).

برخی نیز مراد از زناکار را عموم زنان جامعه یا زنان متأهل مسلمان می دانند. آیت الله عمید زنجانی درباره «نساءکم» می گوید: «اضافه کردن «کُم» به «نساء» ممکن است، فحشای زنان جامعه ای باشد که مردان مسلمان در آن هستند و ممکن است منظور از «أمسکوهن» شوهرانی باشد که باید همسران فاجر خود را در خانه تحت مراقبت نگه دارند تا مجدد مرتکب جرم نشوند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱۰-۴۱۳). بنابراین از دید ایشان «من نساءکم» نمی تواند قرینه اختصاصی محصنات تلقی شود؛ بلکه خطاب به عموم جامعه است و همه زنان اعم از شوهردار و بدون شوهر را در بر می گیرد.

از نظر حسینی در «مِن نَسَائِكُمْ» اگر منظور از «کُم» جامعه اسلامی باشد، «نساء» نیز زنان مسلمان هستند و حبس ابد، مجازات فحشای زنان مسلمان جامعه (اعم از شوهردار و بدون شوهر) است و اگر مراد از «کُم»، مردان مسلمان باشد، «نساء» همسران آنان خواهند بود و زنان بی شوهر، منظور نیستند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ص ۳۷۲). محقق اردبیلی مراد از «الفاحشه» را زنا و مراد از «نساء» را زنان ثیبه و مراد از «امساک» را منع ایشان از فحشاء می داند (شهابی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۰). قطب راوندی مراد «الفاحشه» را زنا و ثیبه می داند؛ زیرا از نظر ایشان اضافه شدن «کُم» به «نساء»، شوهردار بودن را نسبت می دهد و اگر فقط زنان را شامل می شد، «نساء» به تنهایی می آمد (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق: ص ۳۶۷). آیت الله مکارم شیرازی با توجه به «مِن نساءکم»، قائل به زنا و شوهرداری می شوند که آلوده به فحشاء

هستند؛ زیرا هم قرینه آن در آیه بعد است و هم تعبیر «مِنْ نَسَائِكُمْ» درباره همسران به کار گرفته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ص ۳۰۷-۳۰۹). شیخ طوسی نیز روایت عبادۀ بن صامت از رسول اکرم ﷺ را بیان می‌کند که گفته است آیه اول به دلیل اضافه شدن ضمیر «کم» به «النساء»، مربوط به ثیب و آیه دوم مربوط به بکر است؛ زیرا اگر آیه اول زوجه را در نظر نداشت، از «نساء» استفاده می‌شد (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲). فاضل جواد آیه ۱۵ سورۀ نساء را ذیل کتاب حدود، بخش زنا آورده است و مراد از «الفاحشه» را بنا به نظر اکثر مفسرین در مجمع البیان، زناي زنان حُر شوهردار در نظر گرفته است (فاضل جواد، ۱۳۶۵: ص ۱۸۹). این گروه از فقها نیز مراد از فحشاء در آیه را گروه‌های مختلف زنان در نظر گرفته‌اند.

از میان فقهای اهل سنت نیز برخی مراد از فحشاء در آیه را زنا دانسته‌اند که شامل زحیلی، حجازی، سیوطی، بغوی، ابن عربی، طنطاوی، طبری، ثعالبی، ابن قتیبۀ، بغدادی، مراغی، جصاص، قرطبی، ثعلبی نیشابوری، نحاس، قاسمی و آلوسی می‌شوند. این فقها فارغ از اینکه مشخص کنند کدام دسته از زنان مرتکب زنا شده‌اند، تنها قائل به انجام فعل زنا به وسیله زنان هستند (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۹۷؛ حجازی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۴۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ص ۸۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۵۸۲؛ ابن عربی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵۵-۳۶۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۲۸۹-۲۹۱؛ طنطاوی، بی‌تا: ج ۳، ص ۸۲-۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۱۹۷-۲۰۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۱۲۹؛ ابن قتیبۀ، بی‌تا: ص ۱۰۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۵۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۶۵؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۵۶-۵۵۹؛ مراغی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۰۶؛ جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۴۲-۴۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۸۳-۹۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۳۷۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۴۴۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۲۷۱؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ص ۴۸؛ نحاس، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۲۰۵).

برخی از فقهای اهل سنت نیز مراد از زناکار را عموم زنان جامعه یا زنان متأهل مسلمان تلقی کرده‌اند. طنطاوی، آلوسی و نووی جاوی زنان ازدواج کرده و شوهردار را مراد آیه از زناکار می‌دانند (طنطاوی، بی‌تا: ج ۳، ص ۸۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۴۴۳؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۸۷). نیشابوری مراد از زناکار را همسران یا زنان آزاد مؤمن شوهردار (نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۳۷۲)، ابن جزئی غرناطی همسران یا زنان مسلمان (ابن جزئی غرناطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۸۲) و اندلسی مراد از زناکار را همسران (اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ص ۵۵۹-۵۵۶) می‌دانند. همچنین فقهای نظیر آل غازی مراد از زناکار را همه زنان یا جنس زنان که مرتکب زنا می‌شوند، می‌دانند (آل غازی، ۱۳۸۲ق: ج ۵، ص ۵۲۹)، بغدادی زنان ازدواج کرده یا جنس زن را (بغدادی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۵۳)، قرطبی زنان مؤمنی را که مرتکب زنا شده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۸۳-۹۰)، ثعالبی و سید قطب نیز مراد از زناکار را زنان مسلمانان (ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۹۸) می‌دانند. ابن عاشور زناکار را همه زنان مسلمان به خصوص همسران، و همه زنان اعم از شوهردار و غیر آن می‌داند (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۴، ص ۵۷).

۳-۲. فحشاء اعم از زنا و سحاق

از میان فقهای شیعه، مقدس اردبیلی مراد از «الفاحشه» را زنا برشمرده است که به خاطر اضافه شدن «کُم» به «نساء» زنان ثیب هستند. همچنین از دید ایشان احتمال دارد مراد از آن، مساحقه باشد و مجازاتش حبس به منظور ممانعت زن از ارتکاب مجدد فحشاء باشد (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ص ۶۵۸). فاضل موحدی لنکرانی مراد از «الفاحشه» را زنا یا اعم از آن (مساحقه) می‌داند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق: ص ۳۲۹) و همچنین احتمال می‌دهد مراد، صرف مساحقه باشد و مؤید آن، تعرض در حریم خصوصی زنان است (فاضل

لنکرانی، ۱۴۲۷ق: ص ۱۱۴). میرمحمدی ظاهر آیه را عملی می‌داند که از زنان سر می‌زند و می‌تواند زنا یا سحقی باشد؛ لذا اگر آیه درباره سحقی باشد با آیه ۲ سوره نور منسوخ نمی‌شود (میرمحمدی زرنندی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۴-۳۸).

آیت الله خوئی قائل به این است که مراد از «الفاحشه» در آیه اول، اگر اختصاص به مساحقه نداشته باشد، اعم از سحاق و زنا است. ایشان آیه ۱۵ را مربوط به مساحقه و آیه ۱۶ را مربوط به لواط می‌داند. ایشان در تکملة منهاج می‌نویسد: «شهید ثانی نیز فحشاء را سحقی و لواط دانسته و صاحب جواهر نیز مخالفتی با مساحقه نکرده است» (خوئی، ۱۴۱۸ق: ص ۱۴۵-۱۴۷). طبق نظر علامه طباطبایی از قید «اللاتی» بر می‌آید که این حکم مخصوص زنان است و اگرچه «الفاحشه» بسیاری از گناهان را شامل می‌شود؛ ولی قید «من نسائکم» همه موارد، جز زنا و سحقی را از دایره دلالت خارج می‌کند. البته ایشان در بخش دیگری مطابق نظر اکثر فقها منظور از «الفاحشه» در این آیه را زنا و شامل زنان زناکار می‌داند. از نظر ایشان دو آیه، مضمونی متناسب دارند و ضمیر «ها» در «بأتیانها» به «فاحشه» برمی‌گردد و مؤید این است که هر دو مربوط به حکم زنا است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۴).

عمید زنجانی مساحقه و زنا را زشت‌ترین عمل زنان تلقی می‌کند و در این آیه هر دو را محتمل می‌داند؛ ولی زنا را متبادرتر برمی‌شمرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱۰). جرجانی مراد از فحشاء را زنا و اضافه «من نساءکم» را دال بر محصنه بودن (شوهردار بودن زنان آزاد) می‌داند. وی در پاورقی، زنا و سحقی را مراد آیه از فحشاء می‌داند؛ زیرا «من» در «من نساءکم» را نشویه در نظر می‌گیرد که زنان، فاعل و مفعول آن عمل شنیع هستند. از نظر ایشان اگر مقصود از فحشاء زنا باشد، با توجه به «نساءکم» زنان شوهردار آزاد هستند و «کم» کنیزان را در بر نمی‌گیرد (جرجانی، ۱۳۶۲: ص ۶۵۱). آیت الله گلپایگانی آن را اعم از زنا در نظر می‌گیرد که می‌تواند سحقی را نیز در بر گیرد (گلپایگانی، بی‌تا: ص ۷۰).

از میان فقهای اهل تسنن، طبق نظر زمخشری از قید «اللاتی» به دست می آید که این حکم مخصوص زنان است و اگرچه «الفاحشه» بسیاری از گناهان را شامل می شود؛ ولی قید «من نساءکم»، همه موارد، جز زنا و سحر را از دایره دلالت خارج می کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ص ۴۸۷).

۳-۳. فحشاء به معنای مساحقه

برخی فقهای شیعه نیز مراد از فحشاء را مساحقه می دانند و قائل هستند حکم آیه به زنان اختصاص دارد و نامی از مردان در آن نیامده است؛ لذا احتمال می دهند مراد از «الفاحشه» در آیه، مساحقه و مراد از «امساک»، منع آنان از این عمل زشت باشد (شهابی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۰). آیت الله خوئی قائل به این است که مراد از «الفاحشه» در آیه اول، اگر اختصاص به مساحقه نداشته باشد؛ اعم از سحاق و زنا است. ایشان آیه ۱۵ را مربوط به مساحقه می داند و در تکملة منهاج می نویسد: «شهید ثانی نیز فحشاء را سحر و لواط می داند و همچنین صاحب جواهر نیز مخالفتی با مساحقه نکرده است» (خوئی، ۱۴۱۸ق: ص ۱۴۵-۱۴۷). آیت الله یزدی، فاضل مقداد و فیض کاشانی نیز «اللاتی یأتین» را مربوط به سحر می دانند (یزدی، ۱۳۷۴: ص ۳۱۵؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ص ۳۳۸-۳۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ص ۲۰۱).

دیدگاه فقهای اهل تسنن در محدوده ای که بررسی شد، مربوط به نظر خطیب و ابومسلم است. بنابر نظر خطیب آیه ۱۵ مربوط به سحاق است (خطیب، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ص ۷۱۹-۷۲۵). لازم به توضیح است که اغلب فقها به نظر ابومسلم در مساحقه دانستن این آیه اشاره کرده اند و آن را نظر شاذ در نظر گرفته اند و چندین نفر از آنان به رد نظر ابومسلم پرداخته اند.

در جمع‌بندی این بخش ملاحظه می‌شود که اغلب فقها مراد از فحشاء را زنا یا اعم از زنا و سحر در نظر گرفته‌اند. جز تعداد اندکی از فقها که مراد از «الفاحشه» را مساحقه دانسته‌اند، بقیه مراد از «الفاحشه» را زنا یا اعم از زنا و سحر تلقی کرده‌اند. به نظر می‌رسد این فقها روایات را ملاک قرار داده‌اند؛ درحالی‌که اگر صرف زنا مد نظر شارع مقدس بود، صراحتاً در آیه، واژه «زنا» می‌آمد. اگر مراد از فحشاء در آیه مورد بحث زنا باشد، سؤال پیش می‌آید که چرا شارع به هر دو طرف فعل اشاره نداشته است و تنها زنان را خطاب قرار داده است. چنانچه «مِنْ» در «مِنْ نَسَاءِکُمْ» را «مِنْ» نشویه در نظر بگیریم، مشخص می‌شود فحشاء بین زنان است نه بین زن و مرد، و در این صورت فعل فحشاء همان مساحقه است. این مجازات نمی‌تواند به عنوان راه نجات برای زنان محبوس در خانه مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا جایگزین سخت‌تری است. پس از بررسی و دسته‌بندی نظر فقها مشاهده می‌شود فقهای هر دو گروه اهل تسنن و اهل تشیع، مراد از فحشاء در آیه ۱۵ سوره نساء را فقط زنا، یا زنا و سحر، یا سحر به تنهایی تلقی کرده‌اند؛ با این تفاوت که استدلال‌های فقهای اهل تسنن بسیار شبیه هم بود.

۴. بررسی «وَاللَّذَانِ» در آیه ۱۶ سوره نساء از دیدگاه فریقین

در بخش دوم نیز دیدگاه‌های مختلفی درباره «وَاللَّذَانِ» عنوان شده است که به سه دسته تقسیم می‌شود. فریقین در دو دیدگاه با یکدیگر مشترکند و دیدگاه سوم طبق بررسی‌های انجام‌شده تنها در نظرات اهل تشیع احصاء شده است.

۴-۱. مراد از «وَاللَّذَانِ»؛ دو مرد لواط‌کننده

آیت الله زنجانی مرتکبین فحشاء در این آیه را دو مرد می‌داند و صراحت این آیه در لواط را قرینه آیه قبل می‌داند. از نظر ایشان مساحقه و لواط در عین اینکه جرم محسوب

می‌شوند نوعی بیماری جنسی هستند که مرتکبین آن را باید تحت مراقبت و تنبیه بدنی و تحمیل‌های زجرآور قرار داد. همچنین طبق نظر ایشان ایذاء، عملی برای ایجاد آلام روحی یا جسمی یا هر دو آزار است. بنابراین افرادی که موضوع آیه دوم را باکره بودن دانسته‌اند و ایذاء را به معنای تازیانه در نظر گرفته‌اند، به دلیل واژه «واللذان» دلالتی بر باکره بودن فاجره قائل نیستند (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱۱-۴۱۴). آیت الله خوئی قائل به این است که مراد از «الفاحشه» مربوط به لواط است (خوئی، ۱۴۱۸ق: ص ۱۴۵-۱۴۷). فیض کاشانی عنوان می‌کند به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم آیه دوم مربوط به مردانی است که مرتکب لواط شده‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ص ۲۰۱). از نظر شهابی و آیت الله یزدی نیز «واللذان یأتیان» مربوط به لواط است (شهابی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۰؛ یزدی، ۱۳۷۴: ص ۳۱۵). آیت الله فاضل لنکرانی «فحشاء» را ناظر به لواط می‌داند؛ زیرا تشنیه‌ها در آیه مذکر به کار رفته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق: ص ۱۱۴). علامه مجلسی در تفسیر آیه «واللذان یأتیانها منکم» سه دیدگاه را مطرح می‌کند: نخست، فحشای مرد و زن؛ دوم، فحشای زنان و مردان بی‌همسر؛ و سوم، دو مرد زناکار. به باور او، تأویل اهل عراق پذیرفتنی نیست؛ زیرا آنان برای لواط و سحر محدودیتی قائل نشده‌اند؛ در حالی که پذیرش لواط و سحر از نظر بیشتر علما بعید است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۶، ص ۳۰). جرجانی نیز بر این باور است که حکم لواط روشن‌تر است؛ چراکه تعبیر «منکم» دلالت دارد بر اینکه مفعول به نیز از مردان است؛ در حالی که آیه صراحتی در زنا ندارد (جرجانی، ۱۳۶۲: ص ۶۵).

از نظر فقهای اهل سنت نظیر سید قطب، زحیلی، خطیب، مظهری، ابن عجبیه و ملاحویش آل غازی، در آیه ۱۶ سوره نساء مد نظر شارع دو مردی است که مرتکب لواط شده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۹۷؛ خطیب، ۱۴۲۴ق: ج ۲؛ مظهری، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۴۵-۴۷؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۴۷۸؛ آل غازی، ۱۳۸۲ق: ج ۵، ص ۵۲۹) و نووی

آن‌ها را مجردهای آزاد (نووی جاوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۸۷) تلقی می‌کند. ابن‌ابی حاتم نیز این لواط‌کنندگان را مردان مجرد معرفی می‌کند (ابن‌ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۸۹۳-۸۹۶).

۴-۲. مراد از «واللَّذان» به معنای زنا

دیدگاه دوم فقها در بیان مراد از «واللَّذان» مربوط به کسانی است که زنا را مد نظر دارند. از میان فقه‌های شیعه نظر مقدس اردبیلی بر این است که برخی مراد از «بهما» را زانیه و زانی، و مراد از «الفاحشه» را زنا می‌دانند (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ص ۶۵۸). از نظر علامه طباطبایی آیه دوم، متمم آیه اول است و آیه اول حکم زنان زناکار را می‌گوید و آیه دوم حکم زن و مرد زناکار، هر دو را بیان می‌کند که همان ایذاء است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۴). شهابی منظور از آیه ۱۶ را زنا می‌داند (شهابی، ۱۴۱۷ق: ص ۳۱۹). فاضل جواد مراد آیه را مجازات زنا، اذیت و سپس تازیانه می‌داند؛ همچنین گفته شده، مراد از «الفاحشه» در آیه ۱۶ لواط است و این تأویل اهل عراق است (فاضل جواد، ۱۳۶۵: ص ۱۹۰).

در این حوزه، تعدادی از فقها مراد از «واللَّذان» را زنا می‌دانند. آیت‌الله مکارم شیرازی قائل است که آیه ۱۶، حکم زنا و عمل منافی عفت «غیرمحصنه» را بیان می‌کند و «الَّذان» به زن و مرد، هر دو اشاره دارد. از نظر ایشان اگرچه برخی عمل زشت را مساحقه و در آیه دوم لواط دانسته‌اند؛ ولی با توجه به رجوع ضمیر «یأتیانها» به کلمه «فاحشه» که در آیه قبل آمده است، نوع عمل منافی عفت این آیه، همانند آیه قبل است و اگرچه هر دو نوع در جنس مشترکند (همجنس‌گرایی)؛ اما یکی را مساحقه و یکی را لواط دانستن خلاف ظاهر است و لذا هر دو زنا هستند. از طرفی مجازات «لواط» در اسلام «اعدام» است، نه آزار رساندن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ص ۳۰۷-۳۰۹). از دیدگاه ایروانی باید

موضوع حکم آیه اول و آیه دوم با هم متفاوت باشد؛ زیرا امکان ندارد که زانیه هم در خانه حبس شود و هم هم زمان مورد اذیت و آزار قرار گیرد. به همین دلیل گفته می شود که به خاطر لفظ «واللَّذانِ»، منظور از «الفاحشه» در آیه دوم، لواط است و از طرفی این احتمال ضعیف است؛ زیرا مجازات لواط قتل است. همچنین ضمیر «یأتیانها» ظهور در همین فحشاء دارد و لازم است «الفاحشه» در آیه دوم نیز زنا باشد؛ با این تفاوت که در آیه اول به خاطر تعبیر «نساءکم»، زنا محصنه رآمد نظر دارد و آیه دوم زنا غیر محصنه (ایروانی، ۱۳۸۶: ص ۵۷۰). در میان فقهای اهل تسنن، تعدادی از فقها وجود دارند که مراد از «واللَّذانِ» در آیه رازن و مرد زناکار می دانند؛ از جمله این فقها رشیدالدین میبیدی، طبری کیاهراسی، بغوی، بیضاوی و ابن جوزی هستند (رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۹؛ طبری کیاهراسی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۵۸۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۶۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۳). همچنین برخی از فقها، زناکاران را مرد و زن مجرد زناکار می دانند که عبارت اند از طنطاوی، ثعلبی، اندلسی و زمخشری (طنطاوی، بی تا: ج ۳، ص ۸۲-۸۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۲۷۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۸۷).

۳-۴. مراد از «واللَّذانِ» به معنای دو شاهد

در دسته سوم که تنها دیدگاه برخی فقهای اهل تشیع است برخی مانند فاضل مقداد «الَّذانِ» را دو شاهی دانسته اند که درباره فحشاء شهادت داده اند؛ ولی نتوانسته اند آن را ثابت کنند و چون به حد نصاب نرسیده اند، خودشان مورد ایداء قرار می گیرند و به عبارتی «الَّذانِ» به مجازاتِ شاهدانِ کاذب اشاره دارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱۵).

از بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره «اللذان» مشخص می‌شود حمل بر تغلیب کردن وزن و مرد در نظر گرفتن آن صحیح نیست؛ زیرا اگر هدف زن و مرد بود، جمع به کار گرفته می‌شد، نه مثنی. بنابراین، با توجه به اینکه ضمائر و افعال در آیه نخست به صورت جمع مؤنث و در آیه دوم به شکل مثنی مذکر به کار رفته‌اند، نمی‌توان مراد از فحشاء در هر دو آیه را صرفاً زنا دانست؛ زیرا در این صورت، تفاوت آشکار در ضمائر و افعال توجیه پذیر نبود؛ اما اگر فحشاء را دارای مصادیق گوناگون بدانیم، این تفاوت‌ها به خوبی قابل تبیین خواهد بود. از طرفی برخی فقها علت زنا دانستن فحشاء را حد قتل در لواط می‌دانند که این حد مطلق نیست و تابع شرایط مرتکبین، متفاوت است.

۵. روایات مربوط به «فحشاء» با توجه به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء

هرچند روایات مرتبط با سحق، لواط و زنا زیادند؛ اما روایاتی که مرتبط با آیات مورد مطالعه هستند؛ افزون بر ضعف سندی، به لحاظ مضمونی نیز محتوای واحدی ندارند. به برخی از این روایات اشاره خواهد می‌شود:

بر اساس روایت مرسل عیاشی، امام صادق علیه السلام منظور از «الفاحشه» در آیه ۱۵ نساء را زنا دانسته است. در این روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره معنا و حکم آیه ۱۵ سوره نساء سؤال می‌کند و امام می‌فرماید آیه نسخ شده است. ابی بصیر می‌پرسد که حکم قبل از نسخ چه بوده است، امام می‌فرماید که اگر زن مرتکب فجور می‌شد و چهار شاهد شهادت می‌دادند؛ او را در خانه حبس کرده، کسی با او سخن نمی‌گفت و با او مجالست نمی‌کرد و غذا و آب به او می‌دادند تا بمیرد. ابی بصیر درباره «یجعل الله لهن سبیلاً» سؤال کرد، امام فرمود تازیانه و رجم و حبس در خانه، که این حبس ابد برای زن شوهردار بود تا حکم جدید

بیاید و اگر همسر نداشت او را اذیت و تویخ می کردند تا توبه کند. همچنین ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۱۶ سوره نساء سؤال کرد و حضرت فرمود: «واللذان یاتیانها منکم» دختر باکره ای است که مرتکب زنا می شود و طبق عبارت «فأذوهما» یعنی او را نیز در خانه حبس کنید تا توبه کند و اصلاح شود» (العیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۲۲۷).

نعمانی در تفسیر خود حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریف از اسلام نقل می کند که ایشان می فرمایند:

از احکام دوران جاهلیت این بود که وقتی زنی زنا می کرد در خانه محبوس می شد و فقط به او غذا می دادند تا زمان مرگ او، و اگر مردی زنا می کرد، او را طرد می کردند و دشنام می دادند و اذیت می کردند. لذا خداوند در ابتدای اسلام آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء را حکم کرد و وقتی مسلمانان زیاد شدند و اسلام قوی شد، آیه ۲ سوره نور نازل و آیات قبل نسخ شد (وسائل الشیعه، ۱۴۱۶: ج ۲۸، ص ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۶).

شبهه همین حدیث را امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت ناسخ و منسوخ - که اعتبار این روایت نیز ثابت نشده است - می فرماید که از رسوم جاهلیت این بود اگر زنی زنا می داد او را در خانه زندانی می کردند و خرج او تا زمان مرگش بر عهده مرد بود. اگر هم مردی زنا می کرد او را از مجالس خود دور می کردند و دشنام و آزار می دادند؛ ولی وقتی مسلمانان زیاد شدند و از کارهای دوره جاهلیت بیزار شدند، خداوند آیه ۲ سوره نور را نازل کرد و آیات حبس و اذیت نسخ شدند (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۶۰۸؛ طبسی، ۱۳۷۵: ص ۳۳). این روایت در الوسائل، تفسیر قمی و بحار الأنوار نیز آمده است.

شیخ طوسی با نقل روایت عبادة بن صامت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید آیه اول به دلیل اضافه شدن ضمیر «کم» به «النساء»، ثیب را در بر می گیرد و آیه دوم بکر را در بر می گیرد.

بنابراین اگر آیه اول زوجه را در نظر نداشت، از نساء استفاده می‌شد (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲). در این روایت نیز بحث زنان متأهل است که مرتکب فحشا شده‌اند. همچنین در روایت عبادة بن صامت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «راه نجاتی که خداوند در نظر گرفته است، صد تازیانه برای بکر با بکر، و یک سال تبعید و صد تازیانه و رجم برای ثیب با ثیب است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق: ص ۲۳۷).

از جمع‌بندی مطالب به دست آمده چنین برمی‌آید که علی‌رغم نظر اکثر فقها و مفسرین که مراد از فحشا را زنا می‌دانند؛ آنچه از معنای «الفاحشه» حاصل می‌شود «مساحقه» در آیه ۱۵ و «لواط» در آیه ۱۶ این سوره مبارکه است؛ چون با توجه به ظاهر آیات و عدم وجود آیاتی مبنی بر رد این دیدگاه، برخی اقوال از دایره بحث کنار می‌روند. برای نمونه، با توجه به ضمایر و افعال موجود در آیه اول نظیر «وَاللَّاتِي»، «عَلَيْهِنَّ»، «فَأَمْسِكُوهُنَّ»، «يَتَوَفَّاهُنَّ» و «لَهُنَّ» که جمع مؤنث هستند و ضمایر و افعال «وَاللَّذَانِ»، «فَأَذُوهُمَا»، «تَابَا»، «أَصْلَحَا» و «عَنْهُمَا» که در آیه دوم به صورت مثنی مذكر هستند، اگر زنان شوهردار در آیه اول و زنان بکر در آیه دوم مد نظر باشند، قاعدتاً ضمایر آن‌ها نیز به صورت یکسان به کار گرفته می‌شد. برخی نیز گفته‌اند آیه اول مربوط زنان زناکار و آیه دوم مربوط به مردان زناکار است که در این صورت نیز به کار گرفته شدن ضمایر جمع مؤنث در آیه اول برای زنان، و ضمایر مثنی مذكر برای مردان در آیه دوم جای تأمل دارد. از طرفی تعدادی از فقها که آیه اول را مربوط به زنا می‌دانند در آیه دوم به جهت تشبیه بودن ضمایر، عمل لواط را پذیرفته‌اند؛ درحالی‌که دلایل متقنی بیان نکرده‌اند.

برخی از فقها آیه اول را مربوط به زنا زنان ثیب و آیه دوم را مربوط به زنا زنان بکر می‌دانند؛ این در حالی است که اگر دو آیه را با هم در نظر بگیریم، موارد عنوان شده با

ظاهر آیات مطابقت ندارد؛ زیرا در آیه ۱۵، ضمیر «کُم» در «نسائکم» و «منکم»، و افعال «فاستشهدوا»، «شهدوا» و «أمسکوا» نشان می‌دهد مردان مسلمان (مردان متأهل مسلمان یا مردان جامعه اسلامی) باید هنگام مشاهده فحشای زنان (زنان شوهردار یا زنان جامعه اسلامی)، اقداماتی انجام دهند؛ ولی کسانی که مفعول آیه واقع شده‌اند با توجه به «واللّاتی»، «علیهن»، «فأمسکوهن»، «یتوفاهنّ» و «لهنّ»، زنان هستند و همه صیغه‌ها به صورت جمع مؤنث غایب واقع شده‌اند.

همان‌گونه که علامه مجلسی و فاضل جواد آورده‌اند، می‌توان پذیرفت مصادیق فحشاء، به لواط و سحّ نیز تعمیم یافته است و عام‌گرفتن واژه، چنین فرصتی را فراهم کرده که بتوان مصادیق فحشاء را تعمیم داد. راه نجات دیگری که از فحواى آیه به دست می‌آید، افزایش ظرفیت جامعه ایمانی است که افراد با مشاهده چنین صحنه‌هایی، به تأسی از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام صحنه را نبینند یا حاکم تا زمانی که مسئله، ایجاد مفسده اجتماعی نکند، قائله را ختم کند. می‌توان علت چنین تصمیمی را اراده شارع برای واگذار کردن پیشگیری، کنترل و درمان این‌گونه جرائم به افراد جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی آنان دانست.

۶. نتیجه‌گیری

پس از بررسی مطالبی که از آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء استخراج شد و مقایسه دیدگاه فقها و مفسرین فریقین بایکدیگر به دست می‌آید که بیشتر فقها اعم از شیعه و سنی مراد از «الفاحشه» در آیات مذکور را «زنا» می‌دانند و این دیدگاه بنا به شواهدی، در قاطبه متقدمین به جز ابو مسلم، غالب بوده است. فقهای معاصر انواع فحشاء اعم از لواط و سحّ را نیز در معنای «الفاحشه»

وارد کرده‌اند که این موضوع در دیدگاه فقه‌های شیعه، به نسبت اهل سنت فراگیرتر است که به نوعی نشان از پویایی بیشتر فقه و تأثیر مقتضیات زمان بر فتوای اهل تشیع دارد.

در بحث پیرامون «واللذان» در آیه ۱۶ از این سوره، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که بیشتر آنان زن و مرد زانی بدون همسر را مراد آیه می‌دانند. عده‌ای دیگر نیز «اللذان» را دو مردی که مرتکب لواط شده‌اند، در نظر گرفته‌اند. در تطبیق دیدگاه‌ها در این آیه مشاهده می‌شود که دیدگاه فریقین به هم نزدیک است.

فقه‌های زیادی علت رد کردن سحوق یا لواط از دایره فحشاء را عدم تناسب جرم و مجازات در آیات مطرح کرده بودند؛ به عنوان مثال گفته‌اند مجازات مساحقه یا لواط قتل است و این در حالی است که مجازات لواط و سحوق، به نسبت شرایط مرتکبین، دارای دامنه متفاوتی است و اگر به واسطه این ایراد بخواهیم لواط یا سحوق را از دایره فحشاء حذف کنیم، می‌توان به همین دلایل فعل زنا را نیز نپذیرفت؛ چراکه آیه ۲ سوره نور که اکثر فقها آن را جایگزین آیات امساک و ایذاء در نظر گرفته‌اند، فقط به بخشی از مجازات زنا (زن و مرد بکر) اشاره دارد و حد ثیب براساس روایات اثبات شده است. بنابراین، اگر «الفاحشه» در آیه ۱۵ به سحوق و در آیه ۱۶ به لواط تفسیر شود، میان جرم و مجازات تناسب بیشتری برقرار خواهد بود؛ زیرا با توجه به تک جنسیتی بودن محیط زندان، در صورت زندانی کردن زنان، امکان تکرار آن عمل وجود دارد. در این حالت، نه تنها جنبه تأدیبی مجازات تحقق نمی‌یابد، بلکه زمینه برای تکرار جرم نیز فراهم می‌شود. در عین حال، اکثر مصلحین اجتماعی با زندان موافق نیستند و اسلام نیز زندان را برای چنین جرائمی به رسمیت نشناخته است و می‌پسندد جرائم منافی عفت برای زنان، در مراحل نخست از سوی خانواده‌ها و اطرافیان، کنترل و ریشه‌کن شوند و حکومت وارد عمل نشود؛ از طرفی هم با حضور زن در خانه، کانون خانواده از هم نپاشد.

اگر مراد از فحشاء را مساحقه در نظر بگیریم، حبس در خانه، راهی برای جلوگیری از تکرار جرم در نظر گرفته شده است و از آنجا که چنین امساک پس از استشهاد چهار مرد مسلمان (یا سه مرد و دو زن) قابل اجراست، می‌توان استنباط کرد شارع مقدس، اراده کرده شرایط اثبات این اعمال حتی الامکان دشوار شود تا قبح آن شکسته نشود. درباره لواط نیز متناسب سازی جرم و مجازات محقق شده است؛ چراکه امکان ارتکاب آن به ویژه در سنین نوجوانی بیشتر است و پسران نسبت به مسائل جنسی در سنین پایین آسیب پذیرتر از دختران هستند؛ بنابراین حد آن‌ها اذیت و آزار زبانی، طرد، توهین و استخفاف در نظر گرفته شده است تا این افراد به عمل زشت خویش واقف شوند و درصدد ترک آن برآیند. یکی از علل چنین حکمی، کار کردن مردان و پسران برای امرار معاش در خارج از خانه است و هنگامی که مردی مرتکب لواط شود از آنجا که وجهه اجتماعی وی برایش اهمیت دارد، طعن و اذیت و آزار لفظی و تمسخر آنان در مراحل ابتدایی متناسب با جرم آنان است.

از آنجا که قرآن کریم مملو از نکات ارزنده فردی و اجتماعی برای رشد و تعالی انسان‌ها و جوامع است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی و حقوقی در موضوعات مختلف اجتماعی که احکام آنان توسط فقها تبیین شده است، صورت پذیرد. به نظر می‌رسد اگر تدوین قوانین با غلبه فتوای فقهای معاصر - که مقتضیات زمان را بیش از متقدمین مد نظر دارند - صورت گیرد، تأثیر عمیق‌تر تربیتی و بازدارندگی بیشتری بر مرتکبین جرائم دارد.

از طرف دیگر پیشنهاد می‌شود با توجه به افزایش فراوانی ارتکاب جرائم سحاق و لواط، راهکارهای قرآن به عنوان نمونه در برخی مناطق، مورد بررسی عملی صورت گیرد و اگر نتایج مطلوبی از آن به دست آمد، در سطح ملی به کار گرفته شود.

منابع

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳ ق)، عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، قم: مؤسسه سید الشهداء علیّه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (بی تا)، أحكام القرآن، ج ۱، بی جا: بی نا.
- ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق)، التسهیل العلوم التنزیل، تحقیق: دکتر عبدالله خالدی، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر والتنویر، بی جا: بی نا.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق)، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی تا)، غریب القرآن ابن قتیبه، بی جا: بی نا.
- الغدیری، عبدالله عیسی ابراهیم (۱۴۱۸ ق)، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیه، بیروت: دار المحجّه البیضاء.
- اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.

تحليل تطبيقي ديدگاه فريقي دربارۀ «فحشاء» با توجه به آيات ١٥ و ١٦ سورة مباركة نساء / ٢٠١

ايرواني، باقر (١٣٨٦)، دروس تمهيدية في تفسير آيات الأحكام، ج١، قم: دار الفقه للطباعة والنشر.
بغدادى، علاء الدين على بن محمد (١٤١٥ ق)، لباب التأويل في معاني التنزيل، تحقيق: تصحيح محمد على شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية.

بغوى، حسين بن مسعود (١٤٢٠ ق)، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار احياء التراث العربى.

بروجردى، حسين (١٣٨٦ ش)، منابع فقه شيعه، ج ٢٥ و ٣، مترجمين: احمد اسماعيل تبار، احمد رضا حسيني، محمد حسين مهورى و مهدي حسينيان قمى، تهران: فرهنگ سبز.
بيضاوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨ ق)، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلى، بيروت: دار احياء التراث العربى.

ثقفى تهرانى، ميرزا محمد (١٣٨٣ ق)، تفسير روان جاويد، ج ٢، تهران: برهان.
ثعالبي، عبد الرحمن بن محمد (١٤١٨ ق)، جواهر الحسان في تفسير القرآن، تحقيق: شيخ محمد على معوض و شيخ عادل احمد عبد الموجود، بيروت: دار احياء التراث العربى.
ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم (١٤٢٢ ق)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى.

جرجانى، ابوالفتح بن مخدوم (١٣٦٢ ش)، تفسير شاهى، ج ٢، تهران: نويد.
جصاص، احمد بن على (١٤٠٥ ق)، أحكام القرآن (جصاص)، تحقيق: محمد صادق قمحاوى، بيروت: دار احياء التراث العربى.

حجازى، محمد محمود (١٤١٣ ق)، التفسير الواضح، ج ١، بيروت: دار الجيل الجديد.
حر عاملى، محمد بن حسن (١٤١٦ ق)، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج ٢٨، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

حسينى شاه عبدالعظيمى، حسين بن احمد (١٣٦٣)، تفسير اثني عشرى، ج ٢، تهران: ميقات.
خطيب، عبدالكريم (١٤٢٤ ق)، التفسير القرآن للقرآن، ج ٢، القاهرة: دار الفكر العربى.

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷ش)، بیان در مسائل قرآن، مترجم: محمد حسن مولی زاده شکوی (نخو)، قم: دارالصدیقه الشهد.

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۴۱، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ش)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، تهران: المكتبة المرتضوية لآحياء آثار الجعفريه.

زحيلي، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، بيروت دمشق: دار الفكر المعاصر.

زرگوش نسب، عبد الجبار (۱۳۹۶)، «واکاوی تعارض ظاهری آیات مربوط به حکم زانیه»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۳۱، ص ۱۲۶-۱۱۱.

زمخشري، محمود (۱۴۰۷ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل؛ ج ۱، بيروت: دار الكتاب العربي.
سرور، ابراهيم حسين (۱۴۲۹ق)، المعجم الشامل للمصطلحات العلمية والدينية، ج ۱، بيروت: دارالهادی.
سيوطي، جلال الدين (۱۴۱۶ق)، البهجة المرضية على ألفية ابن مالك، بی جا: بی نا.
سيوطي، جلال الدين (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور في تفسير المأثور، قم: کتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
شهابی، محمود (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه (شهابی)، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۱۷ق)، معجم فقه الجواهر، بيروت: الغدير.
طباطبایي، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق)، الميزان في تفسير القرآن، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
طبري، ابوجعفر محمد بن جرير (۱۴۱۲ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.
طبري كياهراسي، ابوالحسن علي بن محمد (۱۴۰۵ق)، أحكام القرآن (كياهراسي)، تحقيق: موسى محمد علي و عزت عبد عطية، بيروت: دار الكتب العلمية.

طيسی، نجم الدين (۱۳۷۵)، النفي والتغريب في مصادر التشريع الإسلامي، قم: مجمع الفكر الإسلامي.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۴ و ۸، تهران: مكتبة المرتضوية.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۵، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
طنطاوی، محمد سيد (بی تا)، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، بی جا: بی نا.

عميد زنجاني، عباسعلي (١٣٨٢)، آيات الأحكام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، دفتر مطالعات و تحقيقات علوم اسلامي.

عياشي، محمد بن مسعود (بي تا)، العياشي، ج ١، تهران: مكتبة العلمية الاسلاميه.
فاضل جواد، جواد بن سعيد (١٣٦٥)، مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام، ج ٤، تهران: مرتضوي.
فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (١٣٧٣)، كنز العرفان في فقه القرآن، ج ٢، تهران: مرتضوي.
فاضل موحدي لنكراني، محمد (١٤٢٧ق)، تفصيل الشريعة (الحدود)، قم: مركز فقه الأئمة الأطهار (ع).
فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضي (١٣٨٣)، الشافي في العقائد والأخلاق والأحكام، ج ١، تهران: لوح محفوظ.
قاسمي، محمد جمال الدين (١٤١٨ق)، محاسن التأويل، تحقيق: محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية.

قرطبي، محمد بن احمد (١٣٦٤)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
قطب راوندي، سعيد بن عبدالله (١٤٠٥ق)، فقه القرآن، ج ٢، قم: كتابخانه عمومي حضرت آيت الله العظمي مرعشي نجفي.

گليايگاني، محمدرضا (بي تا)، الدر المنضود في أحكام الحدود، ج ٢، محرر: علي كريمي جهرمي، قم: دار القرآن الكريم.

مازندراني، محمد صالح بن احمد (١٣٤٢ش)، شرح الكافي، ج ٨، تهران: المكتبة الاسلامية للنشر والتوزيع.
مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، ج ٧٦ و ٩٠، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
مراغي، احمد بن مصطفى (بي تا)، تفسير المراغي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
مروج، حسين (١٣٧٩)، اصطلاحات فقهية: شامل ٦٥٠٠ واژه و اصطلاح فقهی از طهارت تا ديّات، قم: نشر بخشايش.

مظهري، محمد ثناء الله (١٤١٢ق)، التفسير المظهری، پاکستان: مكتبة رشديه.
مقدس اردبيلي، احمد بن محمد (بي تا)، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ١٢، قم: مؤسسة النشر الإسلامية.

مكارم شيرازي، ناصر (١٣٧٤)، تفسير نمونه، ج ٣، تهران: دار الكتب الإسلامية.

- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.
- میرمحمدی زندی، ابوالفضل (۱۴۱۰ق)، ثلاث دراسات في الفقه والمشتبه (الناسخ والمنسوخ في القرآن)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، إعراب القرآن، بيروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الكتب العلمية.
- نووی جوی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، مراح لبید لكشف معنى القرآن المجید، تحقیق: محمد أمين الصناوی، بيروت: دارالكتب العلمية.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بيروت: دار الكتب العلمية.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- یزدی، محمد (۱۳۷۴)، فقه القرآن، ج ۲، قم: اسماعیلیان.